

A Linguistic Analysis of Egyptian Newspaper “Alahram” through Framing and Information Structure: A Case Study of Articles Published in 2018*

Najme Mahyayi

Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, LorestanUniversity

Seyed Mahmoud Mirzaei Al-Husseini

Associate Professor of Arabic Language and Literature, LorestanUniversity

Kobra Khosravi

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, LorestanUniversity

Ali Akbar Moradian Ghobadi

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, LorestanUniversity

Abstract

Communication types of equipment are among the most significant tools for information exchange in the modern era. Traditionally, newspapers and printed periodicals had a special place in transmitting information and developing culture. How newspapers frame, highlight, and censorship information represents their political, social, and economical approaches, appropriately. If newspapers are dependent on the governing system of a country, a realistic analysis of that governing system alongside various issues can be represented by analyzing and investigating the information structure of the newspapers' texts during a specific time. The present study sought to examine, through a mixed-method, main articles (including 44 cases) of Egyptian Newspaper “Alahram” published during 2018. In this regard, theoretical concepts such as framing, information structure, marking, topicalization, and highlighting were used. The findings showed that the main articles presented a cohesive, targeted, and oriented about internal reading, regional and international issues by marking language structures and framing audiences' minds in the direction of Egypt governing system, especially “Abdol Fattah Al-Sisi” government.

Keywords: framing, information structure, marking, highlighting, Alahram Newspaper

*-Received on:24/01/2020

Accepted on: 19/04/2020

-Email: mirzai.m@lu.ac.ir

-DOI: 10.30479/lm.2020.12544.2965

-©Imam Khomeini International University. All rights reserved.-

تحلیل زبانشناختی روزنامه «الأهرام» مصر از منظر چارچوب‌بندی و ساخت اطلاعاتی

«مورد مطالعه: سرمقاله‌های سال ۲۰۱۸»*

نجمه محیایی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان
سید محمود میرزائی الحسینی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان
کبری خسروی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان
علی اکبر مرادیان قبادی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

چکیده

وسایل ارتباط جمعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای داد و ستد اطلاعات بشر در عصر جدید به شمار می‌آیند. در این میان روزنامه‌ها و مطبوعات از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در زمینه اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی داشته‌اند. چگونگی چارچوب‌بندی (framing)، برجسته‌سازی و یا سانسور اطلاعات در روزنامه‌های مختلف، رویکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها را به خوبی بازنمایی می‌کند. چنانچه روزنامه‌ای وابسته به دستگاه حاکمه کشور باشد، اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت، به طوری که با تحلیل واکاوی ساختار اطلاعاتی (information structure) سازه‌های متن در یک بازه زمانی می‌توان تحلیلی واقع‌بینانه از جهت‌گیری‌های آن حکومت در قبال مسائل مختلف ارائه نمود. این پژوهش درصدد است تا با روشی آمیخته، ۴۴ سرمقاله روزنامه «الأهرام» مصر را در سال ۲۰۱۸م واکاوی نماید. بدین منظور از مفاهیمی نظری؛ مانند چارچوب‌بندی، ساخت اطلاعاتی، نشان‌داری، مبتداسازی و برجسته‌سازی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که سردبیر با استفاده از نشان‌دارکردن ساخت‌های زبان و نیز چارچوب‌بندی ذهنیت مخاطبان همسو با دستگاه حاکمه مصر و بویژه دولت «عبد الفتاح السیسی» خوانشی منسجم، سودار و هدفمند از مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه کرده است.

کلمات کلیدی: چارچوب‌بندی، ساخت اطلاعاتی، نشان‌داری، برجسته‌سازی، روزنامه الأهرام.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤل): mirzai.m@lu.ac.ir

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2020.12544.2965

۱. مقدمه

زبان و اندیشه دو روی یک سکه، برای بازنمای حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع هستند. رابطه متقابل بین زبان و حیات اجتماعی، سبب شده تا قدرت حاکمه با چارچوب بندی اطلاعات و داده‌های مختلف، اندیشه افراد جامعه را در مقام ابژه‌های منفعل به سوگیری‌های خاصی رهنمون سازد و آنها را در راستای اراده خود، که معطوف به قدرت است و نه حقیقت به کنترل درآورد. بدون شک و وسایل ارتباط جمعی؛ از قبیل روزنامه، مطبوعات و سایر شبکه‌های اجتماعی، بهترین ابزار برای القای اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک قدرت در متن جامعه هستند. از این رو همه قدرت‌ها، همسو با نهادها و سازمان‌های ایدئولوژیک خویش، ابزار رسانه را در خدمت قدرت به کار می‌گیرند. در این مسیر قدرت همسو با تجربیات زیسته افراد جامعه از تکنیک‌هایی؛ مانند چارچوب بندی برای نهادینه کردن اراده خویش استفاده و با برجسته‌سازی جنبه‌هایی از پیام و سانسور بخش‌هایی دیگر از رخداد مورد نظر، پیام خویش را القا می‌کند. چنانچه قدرت زمینه فکری مناسب و همسو با اراده خویش را از پیش در ذهن مخاطبان فراهم آورده باشد، بازتاب خبر و رخداد و عکس‌العمل افراد جامعه در مقام ابژه‌های منفعل، همسو با اهداف قدرت خواهد بود؛ اما چنانچه افراد جامعه بتوانند، جنبه‌های مخفی و سانسور شده پیام را کشف و پیام بسته‌بندی شده را به درستی رمزگشایی کنند، درک خواهند کرد که اراده دستگاه حاکمه و پدیدآورنده متن مورد نظر، معطوف به قدرت و نه حقیقت بوده است. لذا به عنوان سوژه‌هایی شناسا، به مقابله با اهداف و منویات ساختگی و منفعت‌طلبانه قدرت خواهد پرداخت و با تفسیر واقع‌بینانه از پیام تدوین شده، دست به افشاگری خواهد زد.

با این توضیح نگارندگان درصدد هستند تا به واکاوی زبان‌شناختی - جامعه‌شناختی روزنامه‌های «الاهرام مصر» پردازند. دولت مصر با توجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی به تقویت سیستم مطبوعاتی وابسته به خود پرداخت و روزنامه‌های الاهرام را که تحت حمایت مجلس و شورای عالی بود، تأسیس کرد. این روزنامه دارای خبرهای متفاوت در بخش‌های سیاسی، فرهنگی، دینی، اقتصادی، بین‌المللی و... است. (عبد، ۱۹۸۲: ۱)

این پژوهش درصدد است تا با روش آمیخته (کمی - کیفی)، ۴۴ سرمقاله سردبیر روزنامه «الاهرام» نوشته علاء ثابت را طی سال (۲۰۱۸-۲۰۱۹) بررسی کند و سوگیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک نویسنده مقالات را نشان دهد.

این پژوهش پیش رو در پاسخ به سوال‌های زیر تحریر شده است:

الف) سردبیر روزنامه‌های الاهرام مصر از چه شاخصه‌های دستوری و معنایی و کاربردشناختی برای بیان مقصود خود استفاده کرده است؟

ب) رویکرد فکری- زبانی سردبیر در بازنمایی مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... چگونه است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه تحلیل گفتمان در مطبوعات، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله‌ای (۱۳۸۲) تحت عنوان «پژوهشی در میزان صراحت یا پوشیدگی پیام در گزیده سرمقاله‌های روزنامه ایران: رابطه بین ساختارهای گفتمان‌مدار و ساختارهای زیربنایی فکری - اجتماعی» که توسط یار محمدی نوشته شده است. وی همچنین مقاله‌ای دیگر در سال ۱۳۸۰ش تحت عنوان «شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری - اجتماعی» به چاپ رسانیده است و در آن، چهارمقوله زیر را بررسی کرده است: ۱- گزینش لغات و تعابیر خاص؛ ۲- فرآیند اسمس سازی؛ ۳- به کارگیری فعل معلوم در برابر مجهول؛ ۴- بهره‌گیری از الگوهای متفاوت.

در زمینه مبتداسازی و برجسته‌سازی نیز می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: مقاله (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی مفاهیم قلب نحوی و مبتداسازی در زبان‌شناسی کلاسیک عربی» که ابن رسول قربانخانی و رفیعی نوشته‌اند و درصدد بررسی پدیده قلب نحوی و مبتداسازی در زبان‌شناسی معاصر بوده‌اند.

پارسا کیا (۱۳۸۹) در پایانامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «بررسی صوری و نقشی مقولات گروهی مبتدا، کانون و آغازگر در زبان فارسی» به دنبال ویژگی‌های دستوری مبتدا، کانون و آغازگر در زبان فارسی و رابطه این مفاهیم و ساخت‌اطلاعی آن بوده است.

در زبان عربی می‌توان به مقاله (۲۰۱۸) تحت عنوان «لسانیات النص و معايير الخطاب الصحافي، دراسة تطبيقية على الصحافة الاماراتية» که به قلم عوض عباس الهدی، محمد داود محمد و محمد علی احمد نوشته شده است، اشاره کرد. آنها پس از بررسی‌های زبان‌شناسی یک متن و ارائه معیارهای سنجش بافت متن، به جنبه‌های گفتمان یک متن، معطوف به روابط بین اجزای جمله می‌پردازند.

و همچنین رساله (۲۰۱۲) تحت عنوان «الافعال في لغة الصحافة المعاصرة، دراسة في البنية والتركيب والدلالة من صحيفتي الاهرام المصرية والشرق الاوسط الدولية» که هاله محمد کامل موسی آن را نوشته است، اشاره کرد که در آن نویسنده نقش الفاظ را در سطح ساختار، ترکیب و معنا، در این دو روزنامه بررسی می‌کند و به نحوه اثرگذاری افعال در تحلیل بافت جمله می‌پردازد و بیشتر به یکی از نظام‌های جمله (فعل) معطوف می‌باشد.

و نیز می‌توان به رساله (۲۰۱۲) تحت عنوان «القیمة الخبرية في الصحافة الجزائرية الخاصة، دراسة تحليلية ميدانية لصحيفتي الخبر و الشرق الیومی» که فوزیه عکاک نوشته است، اشاره کرد. ایشان در نتیجه بررسی خویش به شناخت ارزش‌های خبری در روزنامه الخبر و الشروق الیومی می‌پردازد و مهم‌ترین اخبار را برجسته‌سازی می‌کند.

۲. مفاهیم نظری

۲-۱. جامعه‌شناسی زبان

رابطه انسان و زبان، رابطه‌ای فعال و دو جانبه است، به عبارت دیگر؛ به همان میزان که زبان بر انسان اثر می‌گذارد، انسان نیز بر زبان اثر می‌گذارد؛ چرا که زبان وسیله‌ای است که می‌توان با استفاده از آن به بیان مسائل مربوط دنیای درون و بیرون پرداخت. تأثیرپذیری انسان از دنیا به هر میزان و گونه‌ای که باشد در تولیدات زبانی او تجلی می‌یابد. (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۸)

فهم درست از زبان، به عنوان مهم‌ترین عنصری که سطوح مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... را بازنمایی می‌کند، سبب می‌شود که اجتماع کاربران زبان را به خوبی بشناسیم و متناسب با شناخت حاصل از درک جامعه‌شناختی زبان، رفتار کنیم. (عبدالعزیز، ۱۹۸۹: ۵۵) این ویژگی، محدود به زبان مکتوب و منطوق نمی‌شود، اگرچه که زبان منطوق اثرگذاری بیشتری نسبت به زبان مکتوب دارد. (یوسف، ۱۹۹۰: ۵۹) با توجه به جایگاهی که وسایل ارتباطی در جهان کنونی به خود اختصاص داده‌اند، می‌توان گفت که با وجود تفاوت سطح معیشتی و فرهنگی بیشتری تأثیر را بر زندگی مردم گذاشته‌اند. به همین دلیل پژوهش در این زمینه توجه ما را به خود معطوف داشته‌است. (مروة، ۱۹۶۱: ۳۵) و در این راستا در سطح تحلیل بویژه به کمک مفاهیمی؛ از قبیل «چارچوب‌بندی» رویکرد جامعه‌شناختی - زبانشناختی را در تحلیل داده‌ها اعمال خواهیم کرد.

۲-۲. رویکردهای زبان‌شناسی عربی

زبان‌شناسی (Linguistics) در ساده‌ترین تعریف عبارت‌است از: بررسی علمی زبان در چهار چوب زبان‌شناسی در حوزه آوا (phonetics)، ساختمان‌کلمه (Morphology)، ساختمان‌جمله (Syntax) و معناشناسی (Semantic). (فهمی حجازی، ۱۳۷۹: ۳۶)

زبان‌شناسی اسلامی عربی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره دوم و سوم هجری با مکتب بصره و کوفه، دوره چهارم هجری تحت تأثیر فلاسفه یونان و مکتب بغداد و دوره پنجم هجری، ظهور علوم جدید در زمینه معناشناسی و تفسیر متن است. (دین‌محمدی، ۱۳۸۹: ۳۰)

به طور کلی نظام‌های دستوری قدما را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد:

۱. رویکرد صوری، جمله‌های زبان را بر پایه روابط صوری موجود میان اجزاء تقسیم می‌کند.
۲. رویکرد نقش‌گرا، جمله‌های زبان را بر اساس نقش متکلمان و نیز تأثیر سخن بر مخاطبان، واکاوی و تبیین می‌نماید که رویکرد سیبویه از این نوع است. (همان: ۱۶۴)

۲-۳. رویکرد نقش‌گرا

زبان‌شناسی نقش‌گرا برای اولین بار با پژوهش‌های یازده زبان‌شناس مکتب پراگ آغاز گردید. انجمن زبان‌شناسی پراگ در سال ۱۹۲۶ تشکیل شد. (Lyons, 1984:222) امروزه دو رویکرد عمده در بستر زبان‌شناسی را می‌توان یافت که برچسب «نقش‌گرایی» بر خود دارند: یکی، دستور کارکردگرای سامان‌مند (Systemic functional grammar) هلیدی و دیگر دستور کارکردگرای (Functional grammar) سیمون دیک. بر اساس این رویکرد، زبان، نظامی پویاست که کاربرد آن در موقعیت‌های مختلف، ساختار آن را تشکیل می‌دهد. در واقع تبیین سازه‌های زبانی در نظام جمله بر اساس بافت و موقعیت سخن صورت می‌پذیرد و نقش‌های کاربردشناختی زبانی بر نقش ترکیبی و معناشناختی آن غالب است.

مطالعات زبان‌شناسی، آرایش و نظام جمله را از دیدگاه‌های متفاوتی بررسی کرده‌اند. نقش‌گرایان آن را تابع عوامل کاربردشناسی دانسته و معتقدند هر ساختار و آرایشی، نقش ارتباطی ویژه‌ای دارد که در واقع به آن ساختار، صورت وجودی می‌بخشد. (مشکوئه‌الدینی، ۱۳۹۱:۹۸) این رویکرد زبان‌شناسی به عنوان جنبشی ویژه در ساخت‌گرایی در نظر گرفته شد (Lyons, 1984:224) و مفاهیم جدیدی را پیرامون اطلاعات موجود در نظام جمله ارائه نمود. زبان‌شناسان مکتب پراگ به چگونگی قالب‌ریزی مفاهیم در درون ساخت جمله‌های زبان و میزان بار معنایی در بخش‌های سازنده آن را از منظر نقش‌گرایی و روان‌شناختی توجه کرده‌اند و علاوه بر آن در خصوص روند تغییر ارزش-معنایی واژه در هر، کاربرد خاصی ارائه می‌کردند. (Bolinger, 1968:196) در واقع پیراوان این مکتب معتقدند آرایش جمله حاصل تعامل پویای عوامل نحوی و کاربردشناختی است و در تبیین آن باید ملاحظات نحوی و نقشی را توأمان به کار برد.

از دیگر مسائل مورد توجه زبان‌شناسان این مکتب در ارتباط با ساخت دستوری زبان، نمای نقشی جمله است؛ بدین معنی که ترتیب واژگانی موقعیت ارتباطی گوینده و شنونده، ساخت نحوی جمله را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که ساخت جمله، بویژه از راه آنچه از اطلاع پیشین (Old information) و آنچه از اطلاع نو (New information) به شنونده داده می‌شود، مشخص می‌گردد. (مشکوئه‌الدینی،

۴-۲. تقدیم و تأخیر و ساخت اطلاعی

تقدیم و تأخیر از جمله مسائل مهمی است که علمای علم بلاغت و پیشگامان آن، از جمله عبدالقاهر جرجانی توجه خاصی نسبت بدان داشته‌اند. به گونه‌ای که معتقدند این تقدیم و تأخیر از جنبه‌های مهم در بیان انتقال کلام از معنای ذهنی متکلم تا تبدیل آن به الفاظ و کلمات به شمار می‌رود. (الجرجانی، ۱۹۸۴: ۴۹) و این تقدیم برای هدف خاصی صورت می‌گیرد، که اگر متکلم بخواهد از ساختار دستور و معنا فراتر رود باید بداند که از چه طریقی متن گفتمان را بیان کند. (ابن ظافر الشهري، ۲۰۰۴: ۱۴۱) تقدیم به دونوع تقسیم می‌شود: نوع اول، تقدیم به هدف برتری دادن اجزای جمله بر فعل است، و آن مختص کردن فعل بر فاعل به قصد محصور کردن آن است. (الجرجانی، ۱۹۸۴: ۱۲۸) نوع دوم، تقدیم به هدف بیان اغراض مختلف؛ از جمله تأکید و آگاهی رساندن و... صورت می‌گیرد.

آنچه در بلاغت قدیم به «تقدیم و تأخیر» معروف شد، در زیانشناسی نقش‌گرا با عنوان «نشانداری» و زیر مجموعه مفهوم ساخت اطلاعی زبان قرار می‌گیرد. بدین معنا که اگر کلمه‌ای مقدم آورده شود، این تقدیم به هدف برجسته‌سازی کلمه صورت گرفته‌است. (نبی‌فر، ۱۳۸۳: ۸۳) هلیدی ساختار اطلاعاتی جمله را به پیروی از مکتب پراگ، شامل دو بخش دانست و هر یک را زیر عنوان اطلاع نو و اطلاع کهنه معرفی کرد. رویکرد نظری هالیدی، میان ساخت مبتدا - خبری و ساخت اطلاعی جمله تمایز قائل می‌شود؛ ساخت مبتدا - خبری اساساً بر مبنای موضوعیت و دربارگی شکل می‌گیرد؛ اما ساخت اطلاع بیشتر بر مبنای معرفگی و پویایی ارتباطی سازه‌ها به وجود می‌آید. ساخت اطلاع؛ شامل دو اطلاع نو و کهنه است. (براون و یول، ۱۹۸۳: ۱۵۴-۱۵۳)

اصطلاح ساخت اطلاعی را ولدووی (۱۹۹۰م) به عنوان ساختی هم ردیف ساخت‌های نحوی، آوایی و صرفی زبان به کار می‌برد. او اظهار می‌دارد که این ساخت با استفاده از عوامل موجود در ساخت‌های نحوی، آوایی و حتی صرفی جمله ایجاد می‌شود، تا باعث شود جمله در بافت و گفتمانی خاص به طور مناسب به کار رود. ساخت اطلاعی جمله در بازتاب اطلاعات کلامی و بافتی در جمله است. درک و تفسیر جمله نه تنها نیازمند درک معنای تحلیلی جمله، بلکه مستلزم درک معنای اطلاعی و ارتباطی آن است. (Vallduvi, 1990:60)

۴-۵. ساخت بی‌نشان و نشانداری در زبان عربی

زبان عربی از جمله زبان‌هایی است که زبان‌شناسان آرایش واژگانی (فعل+فاعل+مفعول) (VOS) برای آن در نظر می‌گیرند. در حالی که برخی معتقدند این آرایش واژگانی، آرایش رو ساخت این زبان است و آرایش در ژرف ساخت به صورت (مبتدا+ فعل +فاعل یا مفعول) (SVO) می‌باشد. (دین‌محمدی، ۱۳۸۹: ۷۵) اما واقعیت امر آن است که زبان عربی، زبانی فعل آغاز و در نظام بی‌نشان جمله به صورت

(VSO) (فعل + فاعل + مفعول) است. در این زبان شاهد جملات اسمیه نیز هستیم؛ یعنی جملاتی که مبتدا و خبر آنها به صورت اسم ظاهر می‌گردد. در این جملات نیز در ساخت بی‌نشان، ابتدا، مبتدا یا موضوع جمله و سپس خبر یا تفسیر آن قرار می‌گیرد؛ مانند:

ساختار بی‌نشان جمله فعلیه:

۱. إِرْتَبَكْتُ وَأَنَا عَائِدٌ مَعَ الْوَفْدِ الْمَصَاحِبِ لِلرَّئِيسِ السَّيْسِيِّ مِنَ أَلْمَانِيَا، عِنْدَمَا فَكَّرْتُ فِيمَا يُمَكِّنُ أَنْ أَكْتُبَهُ عَنِ تِلْكَ الزِّيَارَةِ الْمَشْحُونَةِ بِاللِقَاءَاتِ وَالاتِّفَاقِيَّاتِ. (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۸/۲)

۲. أَتَمْنِي أَنْ تُوَاجِهَ الْحُكُومَةَ هَذِهِ الْأَوْضَاعَ بِشَجَاعَةٍ وَأَنْ تَقْدِّمَ مُوَازِنَةً تُوَاصِلُ بِهَا طَرِيقَ الْإِصْلَاحِ الَّذِي مَصَّتْ فِيهِ طَوِيلًا وَقَطَعَتْ الْأَشْوَاطَ الْأَكْثَرَ صُعُوبَةً. (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۹/۷)

ساختار بی‌نشان جمله اسمیه:

۱. تَجْدِيدُ الْخُطَابِ الدِّينِيِّ مَهْمَةٌ الْمُنْشَأَاتِ الَّتِي يُنْعَزُ فِيهَا التَّطَرُّفُ. (الأهرام، ۲۰۱۸/۱۰/۱۶)

۲. هُوَ مَا يَتَطَلَّبُ إِشْرَاكَ كُلِّ أَطْرَافِ الْعَمَلِيَّةِ التَّعْلِيمِيَّةِ فِي مُنَاقَشَةِ مَخْتَلَفِ جَوَانِبِ النِّظَامِ الْجَدِيدِ، وَتَحْدِيدِ الْعُقُوبَاتِ الْمُتَوَقَّعَةِ، وَكَيْفِيَّةِ التَّغْلِبِ عَلَيْهَا. (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۴/۲۰)

در مقابل، چنانچه در ترتیب مذکور جمله فعلیه یا اسمیه جابجایی اتفاق بیفتد، جمله از حالت بی‌نشان خارج شده و به دلیل اهداف معنایی - کاربردشناختی، نشاندار می‌شود؛ مانند:

ساختار نشاندار فعلیه:

۱. فَهْمٌ قَدْ أَدْرَكُوا قِيَمَةَ الْجَامِعَاتِ وَالسِّيَطْرَةَ عَلَيْهَا، فَنَشِرُوا أَفْكَارَهُمْ وَكُتُبَهُمْ، وَقَدَّمُوا الْخِدْمَاتَ لِلطُّلَابِ الْفُقَرَاءِ، وَعَيَّنُوا أُمْرًا لِلْإِشْرَافِ عَلَى الدَّعْوَةِ التَّجْنِيدِ، وَمُحَارَبَةِ أَيِّ أَفْكَارٍ تَتَعَارَضُ مَعَ دَعْوَتِهِمْ. (الأهرام، ۲۰۱۸/۱۱/۳۰)

۲. فَحَوْلَ الْمَلْفِ السُّورِيِّ إِتِّفَاقٌ الزَّعِيمَانِ عَلَى ضَرُورَةِ حِمَايَةِ وَحْدَةِ الْأَرْضِ السُّورِيَّةِ. (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۵/۳۰)

ساختار نشاندار اسمیه:

۱. بِنَاءُ الْإِنْسَانِ هُوَ الْمَهْمَةُ الْأَكْثَرُ مَشَقَّةً وَاللَّبْنَةُ الْأَسَاسِيَّةُ فِي بِنَاءِ الْأَوْطَانِ وَالْحَضَارَاتِ. (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۶/۰۸)

۲. هُنَاكَ فُصُولٌ دَامِيَّةٌ كُنَّا سَنَمَرُّ بِهَا. (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۸/۲۹)

در واقع آرایش خطی نظام بی‌نشان زبان به منظور اهدافی معنانشناختی - کاربردشناختی تغییر می‌یابد. از چندین صورت‌بندی موجود برای بیان یک پیام مفروض، گوینده/نویسنده، معمولاً، آن را بر می‌گزیند که جریان اطلاعات را در یک بافت خاص، مشخص‌تر نشان می‌دهد.

برای دانستن عواملی که باعث می‌شود تا نویسنده / گوینده چنین انتخاب کند، باید جمله را یک پیام در نظر گرفت نه رشته ای از عناصر دستوری و واژگانی. در ورای سازماندهی منطقی جمله از لحاظ عناصری؛ مثل نهاد/ مفعول و کنشگر/ کنش‌پذیر، جمله دارای یک سازماندهی تعاملی است که ارتباط بین گوینده و مخاطب را منعکس می‌کند. (بیکر، ۲۰۱۲: ۱۵۲) در واقع این سازماندهی و چیدمان ویژه باعث

می‌شود تا گاهی از ترتیب کلمه برای خلق تأثیرات ویژه؛ از قبیل تأکید، برجسته‌سازی، کانونی سازی و... با استفاده از ساخت‌های نشاندار بهره بجویم.

۶-۲. برجسته‌سازی

برجسته‌سازی به معنای تأکید بر بخش خاص از جمله است که حاوی پیام اصلی متن است، در واقع رسانه‌های مختلف به منظور جهت‌دهی به افکار مخاطبان خود، بخش‌هایی از پیام را به کمک ابزارهای زبانی برجسته می‌نمایند و بخش‌های دیگر را سانسور و یا در حاشیه قرار می‌دهند. لذا گاهی نویسنده، موضوعی را مطرح می‌کند، سپس آن را به اصطلاح برجسته (thematization / foregrounding) می‌نماید. بدین معنا که جهت فعال‌سازی مجدد (Reactivate) مرجع اسمی اولیه (اسم مقدم) و یا بازشناسی و باز تعریف آن (Reintro'duce) در جمله‌واره ماتریسی به اشکال مختلف مفهومی را بازآفرینی می‌کند تا پیام در ذهن مخاطب تثبیت و نهادینه شود. (Andrason, 2016: 116)

فرآیند برجسته‌سازی به طور کلی دارای مراحل زیر است:

۱. وسایل ارتباط جمعی دست به گزینش‌گری می‌زنند، به این معنا که از میان حوادث بسیار زیادی که پیوسته در حال ظهور است، تحت نظارت همیشگی خود، تعدادی را انتخاب و پردازش می‌کنند و سپس گزارش می‌دهند.
۲. محدودیت‌های مکانی و زمانی در تمامی دوره‌ها؛ مانند سدّی پیش روی دست‌اندرکاران وسایل ارتباط جمعی بوده است و بناچار آنها را مجبور به انتخاب اخباری می‌کرده است که دارای ارزش خبری باشند؛ در نتیجه بسیاری از حوادث و اخبار جهان از لیست موارد قابل انتشار حذف و نادیده گرفته می‌شود.
۳. هر وسیله ارتباط جمعی برای خود اهداف و خط مشی‌هایی دارد که میزان اهمیت اخبار و حوادث را برای مدیران رسانه مشخص می‌کند.
۴. انتخاب عرضه شده برای پخش، با درجات متفاوت اهمیت سطحی از روزنامه که به آن مطلب اختصاص داده شده، شکل تنظیم عناوین خبری هر روز را معین می‌کند.
۵. در نتیجه اولویت‌های مخاطبان، به ترتیب اهمیتی است که رسانه‌ها در تنظیم عناوین برای آنها قائل شده‌اند. (دفلورو همکار، ۱۳۸۷: ۶۳).

از جمله انواع برجسته‌سازی، مبتداسازی است. مبتدا و خبر دو مفهوم مهم در زبان‌شناسی‌اند که از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده‌اند. مبتدا با مفهوم نقشی خبر همراه است. مبتداسازی به فرایند جابجایی ارکان جمله از جایگاه بی‌نشان خود در ابتدای جمله و قرارگرفتن در جایگاه مبتدا اطلاق می‌شود و جمله در قالب بی‌نشان خود با اطلاع کهنه آغاز و با اطلاع نو پایان می‌گیرد.

پذیرد. هرگاه گوینده قصد داشته باشد که اطلاعات تازه جمله را برجسته و بدین وسیله توجه مخاطب را جلب کند، از این آرایش خارج می‌شود و آن را در ابتدای جمله قرار می‌دهد. (Halliday, 2004:100)

بدین ترتیب هرگاه عنصری از جایگاه بی‌نشان خود که غیر از ابتدای جمله است به صورت ضمیرگذار یا ضمیرناگذار به ابتدای جمله منتقل شود، منجر به ایجاد مبتدای نشاندار می‌شود. نشاننداری از نوع ضمیرگذار دو نوع است:

۱. اگر ضمیری به کلمه برجسته‌سازی شده‌ای اشاره کند که در بردارنده نقش فاعل باشد به آن نشاننداری از نوع ضمیرگذار از بستر فاعل می‌گویند.
۲. و اگر در بردارنده نقش مفعول باشد به آن نشاننداری ضمیرگذار از بستر مفعول می‌گویند. (شهیدی، ۱۳۷۸:۲۴۱)

فرایند مبتداسازی با ایجاد مبتداهای اسمی نشاندار، منجر به ایجاد ساخت نشاندار در جمله می‌شود. انگیزه گوینده از انتخاب ساخت مبتداسازی، برجستگی و اهمیت موضوعی سازه‌ای است که، به جایگاه آغازین جمله منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، چنانچه سازه‌ای به عنوان مدلول کلامی برجسته و حائز اهمیت تلقی گردد، آن سازه به جایگاه آغازین جمله ارتقا می‌یابد. (میرعمادی و مجیدی، بی‌تا: ۲۷)

به اعتقاد هالییدی، مبتداسازی ایفاگر دو نقش است: نشاندار کردن جمله، به گونه‌ای که سازه‌ای غیر از مبتدا، آغازگر و مبتدای جمله شود. علاوه بر این نقش، از نقش دیگری نیز برخوردار است و آن، این است که سازه مبتداسازی شده برای شنونده اطلاعاتی نو تلقی می‌شود و این فرآیند در مبتداسازی ضمیرگذار، صادق است. (همان)

۲-۷. چارچوب‌بندی

این مفهوم را ابتدا گافمن در پژوهش‌های خود در حوزه جامعه‌شناسی به کار برد. به باور او طرح‌های تفسیری، چارچوب نام دارند و افراد را قادر می‌سازند تا «تعیین، درک و شناسایی کرده، برچسب برنند». در تعریف گافمن، چارچوب «الگویی پیشینی در ذهن است که افراد با استفاده از آن می‌توانند تجربه‌های زندگی خود را با قرار دادن در این قالب معنادار سازند». (روث و همکاران، ۲۰۰۳:۱۰)

نظریه چارچوب‌بندی با در نظر گرفتن مفهوم گرایش و سوگیری در چارچوب‌ها به این موضوع می‌پردازد که چگونه مفهومی که ارائه می‌شود، بر انتخاب‌های مردم اثر می‌گذارد. سوگیری در چارچوب‌بندی، عبارت است از؛ ارائه حقایق به شیوه‌ای که تأثیر آن به ارائه یک تصویر غیر واقعی منجر شود یا پیام به سرعت به یک دیدگاه تبدیل شود.

با وجود آنچه گفته شد؛ مطبوعات، گاهی در یک آن، هم آینه‌ای مقعر و هم آینه‌ای محدب هستند و این موضوع به چند شکل نمود پیدا می‌کند. برای نمونه، چنانچه این موضوع را در سرخط خبرها بررسی

کنیم، در خواهیم یافت که سرخط، تدبیری عملی است که روزنامه آن را برمی‌گزیند تا به خواننده، خلاصه‌ای از خبر زیر سرخط را ارائه دهد؛ اما سرخط به منزله چارچوب و الگویی روشن از چارچوب است؛ زیرا گرایش و جانبداری نویسنده را پنهان می‌کند و گاهی وی را به این سمت سوق می‌دهد که جنبه‌ای حاشیه‌ای از خبر را بازگو و برجسته نماید. شاید مقایسه سرخط‌های مندرج در مطبوعات مختلف برای یک خبر، نه تنها برای توضیح این مطلب ما کافی باشد؛ بلکه اگر مطبوعات به مراجعی دارای مواضع ایدئولوژیک متضاد، وابسته باشند وجود تناقض، می‌تواند به تقابل حدومرزی منجر شود. (ر.ک: موسی، ۲۰۰۷: ۱۴۸) موضوعی که به خوبی در سرخط‌های روزنامه «الأهرام» مصر به چشم می‌خورد؛ از جمله:

۱. تَسَقَطُ قِيمِ الْغَشَّاشِينَ (الأهرام، ۲۰۱۸/۹/۰۴)

۲. حُرِيَّةُ السَّبِّ وَ حُرِيَّةُ التَّعْبِيرِ (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۵/۲۸)

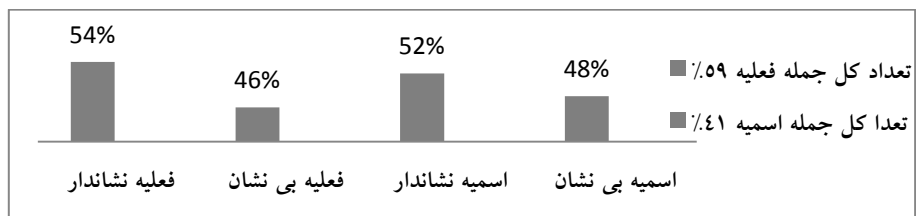
۳. انتصارٌ سياسي عربي جديد على إسرائيل (الأهرام، ۲۰۱۸/۰۶/۱۱)

۴. في بيتنا حَطَرٌ (الأهرام، ۲۰۱۸/۱۲/۱۴)

۲. تحلیل زبانشناسی - کاربردشناختی روزنامه الأهرام

با توجه به جملات به کار رفته در مقالات سردبیر روزنامه الأهرام براساس نتایج آماری، تعداد کل جملات ۱۴۵۹ جمله است و از این میان تعداد کل جملات فعلیه (۵۹٪) و جملات فعلیه بی‌نشان (۴۶٪) و تعداد جملات فعلیه نشاندار (۵۴٪) است و تعداد کل جملات اسمیه (۴۱٪) و تعداد جملات اسمیه بی‌نشان (۴۸٪) و تعداد جملات اسمیه نشاندار (۵۲٪) است و تعداد جملات فعلیه ضمیرگذار از بستر فاعل (۹۹٪) و تعداد جملات فعلیه ضمیرگذار از بستر مفعول (۱٪) است و تعداد جملات اسمیه ضمیر گذار (۳۷٪) و تعداد جملات اسمیه ضمیرناگذار (۶۳٪) است.

نمودار (۱)



نمودار (۲)



براساس دو نمودار مشخص می‌شود:

تعداد کل جملات فعلیه به کار رفته از تعداد کل جملات اسمیه به کار رفته بیشتر است. همانطور که در بخش مباحث نظری نیز اشاره شده زبان عربی زبانی فعل آغاز (VSO) است و در واقع عنصر فعل که چه بسا اصلی‌ترین سازه ترکیبی و معناشناختی در نسبت با سایر اجزای جمله باشد (به علت برخوردارگی از اجزایی؛ مانند زمان، شخص، وجهیت، ظرفیت معناشناختی و...) از بیشترین کاربرد برخوردار است و نویسندگان برای بیان افکار خویش از این ظرفیت زبانی به درستی استفاده نموده‌اند. گفتنی است، تعداد کل جملات فعلیه نشانندرا از فعلیه بی‌نشان بیشتر است که این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که سردبیر برای برجسته‌سازی پیام مورد نظر خود و به تبع آن چارچوب‌بندی محتوا و جهت‌دهی به مخاطبان، از ظرفیت نشانداری زبان به خوبی بهره برده است. همچنین با بررسی کمی گزاره‌های محدوده پژوهش روشن شد که:

۱. تعداد جملات فعلیه ضمیرگذار از بستر فاعل بسیار بیشتر از بستر مفعول است؛

۲. تعداد جملات اسمیه نشاندار از اسمیه بی‌نشان بیشتر است؛

۳. تعداد جملات اسمیه نشاندار ضمیرناگذار از ضمیرگذار بیشتر است.

تأکید بر ساخت‌های نشاندار زبان در سطح ترکیبی به خوبی فرضیه نگارنده را مبنی بر استفاده سردبیر از تکنیک چارچوب‌بندی تأیید می‌کند.

همچنین بر اساس تحلیل و واکاوی گزاره‌های مقالات سردبیر می‌توان دریافت که در راستای چارچوب‌بندی اهداف ایدئولوژیک مورد نظر گفتمان حاکم، موضوعات زیر را در قالب ساخت‌های زبانی نشاندار، بازنمایی کرده است. ایشان در مقالات خود به موضوعاتی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و مذهبی (دینی اعتقادی) پرداخته‌اند که از مجموع ۴۴ سرمقاله بررسی شده، ۲۴ سرمقاله به حوزه مسائل سیاسی، ۱۱ سرمقاله به مسائل اجتماعی، ۵ سرمقاله به مسائل مذهبی و ۴ سرمقاله به مسائل اقتصادی مربوط می‌شود.

پس از کدگذاری گزاره‌های مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی مقالات روشن شد که ایشان در حوزه سیاسی به ۵۶ بحث اشاره کرده است که ۱۳ بحث در زمینه روابط سیاسی بین‌الملل، ۱۲ بحث در زمینه مبارزه با

تروریسم، ۹ بحث در زمینه انتخابات مصر، ۸ بحث در زمینه سفرهای رئیس جمهور، ۷ بحث در زمینه امنیت ملی مصر و منطقه و ۷ بحث در زمینه جنگ‌های نظامی و رسانه‌ای، مقاومت، اقدامات خشونت‌آمیز اسرائیل، انرژی هسته‌ای ایران، اقدامات عربستان، جنگ در سوریه و یمن و مهاجرت غیر قانونی است. در حوزه اقتصادی نیز به ۲۸ بحث اشاره کرده است که ۱۲ بحث در زمینه اقتصاد داخلی مصر، ۷ بحث در زمینه روابط اقتصادی بین‌الملل، ۵ بحث در زمینه افزایش رشد اقتصادی مصر، ۴ بحث در زمینه افزایش سطح فقر و بیکاری داخلی و خارجی، افزایش رشوه در سیستم اداری، قرض و بدهی‌های دولت، کاهش قیمت نفت و کاهش ارزش پول است.

در حوزه اجتماعی هم به ۵۱ بحث اشاره کرده است که ۱۴ بحث در زمینه عدم رفاه اجتماعی شهروندان، ۱۳ بحث در زمینه ارتقاء علمی، ۱۱ بحث در زمینه ناکارآمدی نظام آموزشی، ۷ بحث در زمینه تأثیرات مخرب شبکه‌های اجتماعی، ۶ بحث در زمینه نقش روزنامه‌ها و مطبوعات، آزادی بیان و اندیشه و ویژگی‌های زیست محیطی است.

در حوزه مذهبی، به ۳ بحث اشاره کرده است که شامل مسائل اعتقادی (سنت شریف نبوی، کتاب‌های مذهبی، بالابردن سطح آموزش دینی ...)، ارج نهادن به آرمان‌های شهدا و ماه مبارک رمضان است.

از نظر ایدئولوژی براساس نتایج مشخص شده به صورت کلی می‌توان گفت که از آنجا که این روزنامه وابسته به دولت است؛ بیشتر سرمقاله‌ها، به مسائل سیاسی مربوط می‌شوند، به طوریکه سایر موضوعات را در خدمت قدرت و همسو با اهداف گفتمان قدرت تفسیر و تبیین می‌کنند. حتی خوانش ایشان از مذهب و سنت متناسب با مفصل‌بندی گفتمان قدرت و در راستای آن صورت می‌گیرد. هرچند سردبیر در بخش مسائل اجتماعی به نقد وضع موجود می‌پردازد ولی در نهایت خواهان اصلاح وضع موجود در داخل گفتمان حاکم و نه خارج از آن است.

۹-۲. چارچوب‌بندی و ایدئولوژی در روزنامه «الأهرام»

ایدئولوژی مجموع آراء و نظریه‌هایی است که هر فرد نسبت به جهان پیرامون دارد. بی‌تردید هر نویسنده با توجه به ایدئولوژی خود به نگارش اثر می‌پردازد و ایدئولوژی جزء جدایی‌ناپذیر از هر متن است. «طبق نظر فرکلاف، ایدئولوژی را نمی‌توان از متن گرفت؛ به دیگر سخن این متن نیست که ایدئولوژیک است، بلکه این ایدئولوژی است که متن را (و در ترجمه، ترجمه را) تحت تأثیر قرار می‌دهد.» (قریشی و جهانجویان، ۱۳۹۱: ۱۲۹) «ایدئولوژی که به عنوان روابط قدرت شناخته می‌شود، در هر بعد از ارتباطات بشری نمودار است و ترجمه نیز به عنوان یکی از روش‌های ارتباط زبانی و بین فرهنگی مورد دستکاری ایدئولوژیک قرار می‌گیرد.» (همان: ۱۳۱)

در واقع ایدئولوژی رابطه‌ای بسیار تنگاتنگ با چارچوب‌بندی پیام و رمزگذاری آن در قالب ساخت زبان دارد، به طوریکه اغلب واژگان، در نظام و پیوستار زبان، نقشی را در انتقال ابعاد ایدئولوژیک یک متن بر عهده دارند. گاهی نویسنده قادر است تا به خوبی از واژگان و اصطلاحات نشاندار مناسب برای انتقال بار ایدئولوژیک پیام بهره ببرد. (ر.ک: موسی، ۲۰۰۷: ۱۳۲)

در ادامه به منظور تبیین استقراء کمی- کیفی، نمونه‌هایی بر اساس مفاهیم نظری و روش‌شناختی گزینش و سپس بازنمایی اطلاعات و برجسته‌سازی گزاره‌های مفهومی در چارچوب این مفاهیم تحلیل و تبیین شده‌است.

الف) مسائل سیاسی:

۱. كان العُمانيون يَتَقُونُ أَنَّ الرَّئِيسَ السِّيسِيَّ هُوَ يَسْعِي لِتَأْكِيدِ الدُّورِ الإِقْلِيمِيِّ لِمِصْرٍ وَتَدْعِيمِ عِلَاقَتِهِ بِدَوْلِ الْخَلِيجِ لَا يُمْكِنُ لَهُ أَنْ يَنْهِيَ فِتْرَتَهُ الرَّئِيسِيَّةَ الْأُولَى دُونَ مَا زِيَارَةِ لِلدَّوْلَةِ الَّتِي تَمْتَلِكُ الْكَثِيرَ مِنْ مَنطِقَةِ الْخَلِيجِ [الفارسی].

در این متن نویسنده، رئیس جمهور مصر را به عنوان کنشگری مثبت در عرصه منطقه مطرح می‌کند که خواهان حفظ روابط مثبت با کشورهای خلیج فارس است. وی همچنین با ارزش‌گذاری هر چه بیشتر برای کشور عمان، این کشور را حافظ صلح و ثبات در منطقه معرفی می‌کند، به طوریکه شایسته است، السیسی در دوران نخست ریاست جمهوری خود از این کشور دیدار داشته باشد.

۲. أَدْرَكَ الْمِصْرِيُّونَ أَنَّ جَمَاعَةَ الْإِخْوَانِ قَدْ اسْتَعْلَتْ سَخَطَهُمْ عَلَى أَخْطَاءِ نِظَامِ مَبَارَكٍ، لَكِي تَقْفَزَ عَلَى السَّلْطَةِ وَأَنْ تَكُونَ هُنَاكَ حِصَّةً لِدَوْلِيَّةِ قَطْرِ الْحَالِمَةِ بِالْخُرُوجِ مِنْ حَيْزِهَا الْجُغْرَافِيِّ وَالسَّكَّانِي الضَّيِّقِ، وَالتِّي كَانَتْ وَمَا زَالَتْ تَحْلُمُ بِتَخَطِّي إِلَى شَرِيكَ فِي إِدَارَةِ إِمْبْرَاطُورِيَّةٍ وَاسِعَةٍ تَحْتَ قِيَادَةِ الْعُثْمَانِيِّ الْجَدِيدِ أَرْدُوغَانَ.

سپس در ادامه با کنایه به گفتمان‌های رقیب؛ از قبیل داخلی «إخوان المسلمین» و خارجی «قطر و ترکیه»، تلاش‌های آنها را نه در خدمت منافع مصر بلکه در راستای دست‌اندازی به کشور مصر و احیای امپراطوری ترکی- مغولی- عثمانی می‌شمارد. لذا نویسنده با عبارت «أدرک المصریون» در واقع به جای مردم مصر، اخوان المسلمین را به سوء استفاده از اشتباهات مبارک و کشورهای منطقه؛ از جمله کشور کوچک «دویله» قطر و دولت ایدئولوژیک اردوغان «قیادة العثمانیة» را به دخالت نامشروع در تحولات مصر متهم می‌نماید تا حرکت «السیسی» را در به دست گرفتن زمام امور توجیه نموده و آن را به صلاح مردم مصر قلمداد نماید.

۳. وَحَاكُمُ قَطْرٌ هُوَ خُطْوَةٌ كَبِيرَةٌ فِي سَبِيلِ إِنْجَازِ هَذَا الْحَلْمِ بِمُسَاعَدَةِ دَوْلٍ لَهَا أَطْمَاعُ اسْتِعْمَارِيَّةٌ فِي الْمَنطِقَةِ بِلِ مَبَارَكَةِ إِسْرَائِيلِيَّةٍ رَأَتْ أَنَّ دَوْلَةَ الْخِلَافَةِ الْعُثْمَانِيَّةِ الْجَدِيدَةَ سَتَحَقِّقُ لَهَا عِدَّةً أَعْرَاضٍ حَيَوِيَّةً مِنْهَا إِنْشَاءُ الدَّوْلَةِ الْيَهُودِيَّةِ النَّقِيَّةِ، وَطَرْدَ الْفِلَسْطِينِيِّينَ مِنَ الصَّفَةِ وَغَزَاةٍ وَحَتَّى عَرَبٍ ٤٨ مِنْ دَاخِلِ دَوْلَتِهِمْ.

نویسنده در ادامه تلاش می‌کند با اشاره به سانسور و کودتای نظامی در مصر و به حاشیه راندن تحولات میدانی این کشور، نقاط منفی گفتمان‌های متخاصم را در چارچوبی ایدئولوژیک ترسیم نماید؛ از

این رو ابتدا قطر را به داشتن انگیزه‌های استعماری متهم و آن را هم طراز با اسرائیل و حکومت عثمانی ترکیه در جبهه غیر خودی طبقه‌بندی می‌کند که در صدد ایجاد حکومت یهودی و طرد فلسطینیان از ۴۸ کشور عرب زبان هستند، این تاریخ به نوعی نماینده عقب‌نشینی و شکست عرب‌ها در رویارویی با رژیم صهیونیستی است و از طرفی به مخاطب چنین القاء می‌کند که حکومت «السیسی» مانع اصلی چنین اتفاقی است و در واقع اقدامات صورت گرفته از سوی کودتای نظامی مصر تنها در راستای حفظ حاکمیت مصر از اتفاقاتی این چنینی است، اتفاقاتی که اخوان المسلمین زمینه را برای بروز آن فراهم آورده‌اند.

۴. و هناك أمثلة حية على ما ارتكبه جماعة الإخوان عندما إنفردت بالسلطة في بعض الأراضى التي استولت عليها قواتهم في كل من ليبيا وسوريا والعراق، فقد ألغوا كل مؤسسات الدولة وطبقوا ما يرون أنه الشريعة وقتلوا وذبحوا نساء وأطفالا وشباباً لمجرد أنهم ليسوا من الجماعة ونفذوا أحكاماً ميدانية بالإعدام وهاجموا قرى وبلدات مسيحية ومارسوا فيها القتل والذبح والسبي مثل بلدة معلولة في سوريا و محافظة حماة.

از این رو در ادامه، «جماعة الأخوان المسلمین» را به عنوان کنشگرانی منفی نه تنها در مصر بلکه در دیگر کشورها؛ از قبیل «لیبی، سوریه و عراق» معرفی می‌نماید که با به دست گرفتن قدرت، تنها ویرانی و قتل و کشتار بی‌گناهان را رقم زده‌اند، نویسنده با واژگانی؛ از قبیل «الشريعة» این گروه را صرفاً گروه ایدئولوژیک دینی و متحجر معرفی می‌کند که حق آزادی برای هیچ گفتمانی غیر از گفتمانی خودی قائل نیست «و قتلوا وذبحوا نساء وأطفالا وشباباً لمجرد أنهم ليسوا من الجماعة» بنابراین نویسنده در صدد است که با به‌کارگیری واژگانی؛ مانند «الإعدام / هاجموا / القتل / الذبح» و برجسته‌سازی خشونت اخوانی‌ها و نسبت دادن همه این اتفاقات به تفکر اخوان‌المسلمین، جنبه ایدئولوژیک گفتمان اخوان، آبشخور فکری و گروه‌های وابسته به آن را به باد انتقاد می‌گیرد.

اینک به گزاره‌های دیگری در راستای القای چنین نگرشی می‌پردازیم:

لقد هاجموا بلدات وإستباحوا فيها الدماء لمجرد أنهم يتبعون ديانة أو مذهباً مختلفاً، ليشعلوا الحروب الطائفية و المذهبية، حتى ليبيا التي تتسم ب أنها متجانسة في معتقدها الدينية لم تسلم من الفتن وشهدت أعمال قتل وحشية ارتكبتها الجماعة وحلفاؤها، و كان المخطط أن تأتي جحافل داعش وغيرها من ميليشيات القتل، لتحول مصر إلى ساحة للقتل والذبح والسبي.

در واقع نویسنده پا را فراتر گذاشته و گروه تروریستی داعش را به نوعی به اخوان المسلمین منسوب می‌سازد.

ب) مسائل اقتصادی:

أضحكتني كثيراً حملة جماعة الإخوان لإنقاذ الليرة التركية من الانهيار، فقد جعلت الجماعة من الليرة عملة مقدسة، بل وصل الأمر لإعتبار إنقاذها واجباً على كل مسلم، و كانها أحد أركان «الإسلام الإخواني» وعندما إنحرف أردوغان قليلاً عن الدور المحدد له جرى توقيع عقوبات عليه لتجبره على العودة إلي رشده، وأن يستمر في رعاية المصالح الأمريكية والأوروبية في المنطقة.

سردبیر با به سخره گرفتن اعتقادات «اخوان المسلمین» به صورتی طنزگونه نگاه ایدئولوژیک اخوانی‌ها نسبت به مسائل اقتصادی را با نقد گزنده به چالش می‌کشد و چنین القا می‌کند که این جماعت حتی مسائل اقتصادی را از دریچه ایدئولوژی دینی نگاه می‌کنند و هیچ نسخه علمی و عملی مناسبی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور نداشته‌اند.

نویسنده با اضافه کردن «الاسلام» به «الإخوانی» می‌خواهد به تفاوت اساسی خوانش اخوان‌ها از اسلام اشاره کند و اینکه آنان اسلام را در خدمت سیاست و نه عکس آن قراردادده‌اند.

۱. أنجزت مصر مشروعات بُنية أساسية صناعية وتجارية وخدمية علاقة، و كان البعض يظن أنها سابقة لأوانها، أو أنها إلقاء للمال في الصحراء، لكنها أصبحت محط أنظار المستثمرين في الصين وغيرها، لتستقبل مئات المشروعات من كل حذب و صوب، و تصبح أحد أهم روافع التنمية في مصر والمنطقة .

حال آنکه وقتی درباره طرح‌ها و پروژه‌های گفتمان خود سخن می‌راند، با بزرگنمایی، آنها را بی‌سابقه (سابقه لأوانها)، بزرگ (علاقة) و دارای ارزش سرمایه‌گذاری قلمداد می‌کند؛ به‌طوریکه کشورهای دیگر برای سرمایه‌گذاری در آنها رغبت و علاقه و آفری نشان می‌دهند. در واقع نویسنده با انتخاب این واژگان، از دولت مصر به عنوان کارگزار مثبت یاد می‌کند که برخلاف گفتمان پیشین (گفتمان اخوانی) با درایت و با علم و آگاهی پروژه‌هایی ملی و منطقه‌ای در راستای منافع ملی مصر راه‌اندازی می‌نماید.

۲. وقد أشادت ألمانيا بنجاح مصر في القضاء على الهجرة غير المشروعة، فلم تخرج من مصر قوارب مهاجرين غير شرعيين إلى أوروبا على مدى العامين الأخيرين، و تجنب المهاجرين المخاطر التي تؤدي بحياة الكثيرين منهم في رحلات القوارب الخطيرة، التي تسببت في غرق الكثيرين، و كذلك تجنب أوروبا عبء استقبال المزيد من اللاجئين. در این متن نیز از دولت مصر به عنوان کارگزار مثبت جهت مبارزه با مهاجرت نامشروع یاد می‌کند، به‌طوریکه در دو سال گذشته؛ یعنی از دوران به قدرت رسیدن گفتمان خودی، مهاجرت نامشروع به کشورهای اروپایی کنترل شده‌است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد:

- سردبیر برای برجسته‌سازی مسائل مختلف، با استفاده از ساخت‌های نشاندار، هم در جملات فعلیه و هم در جملات اسمیه، در صدد چارچوب‌بندی پیام و انتقال مفاهیم بر اساس نگاه ایدئولوژیک خود و همسو با قدرت حاکم است، به‌طوری‌که نسبت نشاننداری در جملات به قرار زیر است:
- تعداد جملات فعلیهٔ نشاندار (۵۴٪) است و تعداد کل جملات اسمیه (۴۱٪)؛
- تعداد جملات اسمیه بی‌نشان (۴۸٪) و تعداد جملات اسمیه نشاندار (۵۲٪) است؛
- تعداد جملات فعلیهٔ ضمیرگذار از بستر فاعل (۹۹٪).

این آمار به‌خوبی نشان می‌دهد که نویسنده، بویژه در جملات فعلیه که از ظرفیت بیشتری برای نشاندار کردن ساخت زبان برخوردارند، از ساخت‌های نشاندار و ضمیرگذار استفاده نموده‌است، ضمن اینکه تکرار ضمیر اسم، مبتداسازی شده سبب برجسته شدن موضوع اصلی جمله و پیام مد نظر نویسنده شده است.

در این میان، از بین سرمقاله‌های بررسی شده، هر کدام از موضوعات به ترتیب زیر فراوانی و اهمیت بیشتری نزد سردبیر داشته‌اند:

- از مجموع ۴۴ سرمقالهٔ بررسی شده، ۲۴ سرمقاله در حوزهٔ مسائل سیاسی است و بیشتر متوجه روابط سیاسی بین‌الملل، مبارزه با تروریسم، انتخابات مصر؛ ۱۱ سرمقاله نیز به مسائل اجتماعی پرداخته و معطوف به عدم رفاه اجتماعی شهروندان، ارتقای علمی، ناکارآمدی نظام آموزشی است. ۵ سرمقاله در خصوص مسائل مذهبی و اعتقادی و ۴ سرمقاله دربارهٔ مسائل اقتصادی با تأکید بیشتر بر اقتصاد داخلی مصر، روابط اقتصادی بین‌الملل، افزایش رشد اقتصادی، افزایش سطح فقر و بیکاری داخلی و خارجی می‌باشد.

- همچنین با تحلیل تبیینی مقالات سردبیر، بر اساس مفاهیم مطرح در این پژوهش روشن شد که، وی جهت چارچوب‌بندی ذهنیت مخاطبان همسو با دستگاه حاکمهٔ مصر و بویژه دولت «السیسی»، خوانشی منسجم، سودار و هدفمند از مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه می‌نماید و بدین منظور برای تأیید گفتمان خودی، در حوزهٔ سیاسی به نقد عملکرد گفتمان‌های احزاب مقابل و ارتباط دادن آنها با سایر گفتمان‌های غیر خودی و متخاصم می‌پردازد و آنها را به جنبه‌های ایدئولوژیک و دینی نسبت می‌دهد و به نوعی به مخالفت با آزادی‌های مدنی و آزادی ادیان و احزاب متهم می‌نماید. همچنین سردبیر با به چالش کشیدن احزاب مقابل، بویژه اخوان المسلمین، به سبب داشتن رویکرد ایدئولوژیک صرف و غیر

علمی نسبت به مسائل مختلف؛ از جمله اقتصاد، چنین القا می‌کند که آنها در همه زمینه‌ها از ایدئولوژی به ظاهر دینی و نیز عواطف مذهبی در راستای گفتمان قدرت سوء استفاده نموده‌اند.

منابع

منابع عربی و فارسی

- صحیفه الأهرام المصرية.
- ابن رسول و دیگران. (۱۳۹۵). «بررسی مفاهیم قلب نحوی و مبتداسازی در زبان‌شناسی کلاسیک عربی»؛ مجله لسان مبین، شماره ۲۴، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- ابن ظافر الشهری، عبدالهادی. (۲۰۰۴). استراتیجیات الخطاب؛ بیروت: دارالکتب الجديدة المتحد.
- مروءة، أديب. (۱۹۶۱). الصحافة العربية نشأتها و تطورها؛ ط۱، بیروت: دار المكتبة الحیاة.
- الجرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۸۴). دلائل الإعجاز؛ القاهرة: مكتبة الخانجي.
- عبده، ابراهيم. (۱۹۸۲). تطور للصحافة المصرية (۱۷۸۹-۱۹۸۱)؛ ط۴، القاهرة: مؤسسة سجل العرب للنشر.
- عبدالعزيز، محمدحسن. (۱۹۸۹). دی سوسیر رائد علم اللغة الحديث؛ القاهرة: دارالفکر العربی.
- موسی، نهاد. (۲۰۰۷). اللغة العربية فی العصر الحديث، قسم الثبوت وقوى التحول؛ عمان: دار الشروق.
- يوسف، جمعة سيد. (۱۹۹۰). سيكولوجية اللغة؛ سلسلة عالم المعرفة.
- بيكر، مونا. (۱۳۹۳). به عبارت دیگر؛ ترجمه علی بهرامی، تهران: رهنما.
- دفلور، ملوین و دنيس اورت آی. (۱۳۸۷). شناخت ارتباط جمععی؛ ترجمه سیروس مرادی، تهران: سروش.
- دين محمدی، غلامرضا. (۱۳۸۹). مبانی زبان‌شناسی در جهان اسلام؛ تهران: نشر دانشگاه امام صادق(ع).
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان؛ تهران: انتشارت سمت.
- شهیدی، نوشین. (۱۳۷۸). مبتداسازی در زبان فارسی با نگاهی نقشگرا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عكاک، فوزیه. (۲۰۱۲). القيم الخبرية فی الصحافة الجزائرية الخاصة، دراسة تحليلية ميدانية لصحيفتي الخبر والشرق اليومي، أطروحة دكتوراه، جامعة الجزائر.

- فهمی حجازی، محمود. (۱۳۷۹). زبان‌شناسی عربی؛ ترجمه سیدحسن سیدی، تهران: انتشارات سمت.
- قریشی، سید حسن. (۱۳۹۱). «بررسی نمونه‌هایی از انعکاس ایدئولوژی مترجمان در قرآن کریم»؛ دوفصلنامه پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۸، صص ۹۱-۱۱۲.
- کیا، پارسا. (۱۳۸۹). بررسی صوری و نقشی مقولات گروهی مبتدا، کانون و آغازگر در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۹۱). سیر زبانشناسی؛ مشهد: دانشگاه فردوسی.
- میرعمادی، سیدعلی و ستاره مجیدی. (۱۳۸۵). «بررسی نقش اطلاعی دو فرآیند مبتداسازی و مجهول‌سازی در زبان فارسی از دیگاه نقش‌گرایی»؛ مجله زبان و ادب عرب، شماره ۳۰، صص ۷-۳۰.
- نبی‌فر، لیلا. (۱۳۸۳). کاربردهایی در زبان فارسی امروز، رساله دکتری زبانشناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- موسی، هاله محمد کامل. (۲۰۱۲). الافعال فی لغة الصحافة المعاصرة، دراسة فی البنية والتركيب والدلالة من صحيفتی الاهرام المصرية و الشرق الاوسط الدولية، أطروحة دكتوراه، جامعة القاهرة.
- یارمحمدی، لطف‌الله و مجید خسروی نیک. (۱۳۸۰). «شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری - اجتماعی»؛ نامه فرهنگ، شماره ۴۲، صص ۶۷-۸۲.
- _____ و ناصر رشیدی. (۱۳۸۲). «پژوهشی در میزان صراحت یا پوشیدگی پیام در گزیده سرمقاله‌های روزنامه ایران: رابطه بین ساختارهای گفتمان‌مدار و ساختارهای زیربنایی فکری - اجتماعی»؛ نامه فرهنگ، سال ۳، شماره ۴۷، صص ۲۳-۵۹.
- منابع انگلیسی

- Lyons, Johan. (1984). language and linguistic, An Interduction; Cambridge University Press.
- Brown, G. & G. Yule. (1983). Discourse Analysis. Cambridge; Cambridge University press.
- Bolinger, Dwight. (1968). Accepts of language; 2nd ed. New York/chicago: Harcourt Barace & word, Inc, Pp 196.
- Vallduvi, Enric. (1990). The Information Component, Ph.D Dissertation. University of Pennsylvania.
- Halliday, M.A.K. & C.M.I.M. Matthiessen. (2004). An Introduction to Functional Grammar; 3 rd, de, Hodder Education Publishers.

- Roth, A.L, dunsby, J.& Bero, L.A. (2003). Farming Processes in - Public Commentery on US Federal tobacco control Replution, social studies of science, 33:10-44.
- Andrason, Alexander. (2016). Left Dislocation in Arabic: The complexity of form and meaning; Stellenbosch Papers in Linguistics Plus, Vol. 50, 2016, 111-138 doi: 10.5842/50-0-759.

دراسة لغوية لصحيفة «الأهرام» المصرية من منظور التأطير والبنية المعلوماتية

«مقالات رئيس تحرير المجلة في سنة ٢٠١٨ نموذجاً»*

نجمة محيايي، طالبة الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان
سيد محمود ميرزاوي الحسيني، أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان
كبرى خسروي، أستاذة مساعدة في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان
علي أكبر مراديان قبادي، أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان

الملخص

تعدّ وسائل الاتصال الجماهيريّ إحدى أهم الأدوات لتبادل المعلومات البشرية في العصر الحديث. وفي هذه الأثناء احتلت الصحف والصحافة مكانة خاصة في مجال الأخبار وتثقيف شرائح المجتمع. كما أنّ كيفية تأطير (farming) المعلومات أو إبرازها أو الرقابة عليها في الصحف المختلفة، تعكس اتجاهها السياسي، والاجتماعي والاقتصادي، إذ إن الجرائد التي تتبع النظام الحاكم للدولة؛ لها أهمية بكان؛ حيث يمكن تقديم تحليل موضوعي لمواقف تلك الحكومات من القضايا المتنوعة وذلك من خلال تمحيص البنية المعلوماتية (information structure) فيها في فترة زمنية محدّدة. فيسعى الكتاب من خلال هذه الورقة البحثية المتواضعة إلى دراسة مقالات رئيس تحرير مجلة الأهرام المصرية والتي تشمل ٤٤ افتتاحية طوال سنة ٢٠١٨- وذلك على ضوء المنهج التركيبيّ. بناءً على هذا تمّ توظيف مفاهيم نظريّة مثل؛ التأطير، والبنية المعلوماتية، والتسويم، والتصدير، والإبراز. فتدلّ نتائج الدراسة على أنّ المحرر يسعى إلى عرض قراءة منسجمة هادفة ومنحازة للقضايا المحليّة والإقليمية والدولية وذلك من خلال تسويم البنيات اللغوية وكذلك تأطير البنيات الفكرية للمتلقّي للمواكبة مع النظام المصريّ الحاكم وعلى رأسه حكومة عبدالفتاح السيسي.

كلمات مفتاحية: التأطير، البنية المعلوماتية، التسويم، الإبراز، صحيفة الأهرام.

* تاريخ الوصول: ١٣٩٨/١١/٠٤ تاريخ القبول: ١٣٩٩/٠١/٣١

- عنوان البريد الإلكتروني للكاتب المسؤول: Mirzai.m@lu.ac.ir

- المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2020.12544.2965